

نگاهی به

نسخه خطی مسخرالبلاد و وجوه ارزشی آن

0 نادره جلالی

سلسله صفویه یکی از سلسله‌های مهم تاریخ ایران بعد از اسلام است که همواره توجه بسیاری از پژوهشگران داخلی و خارجی را در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی به سوی خود معطوف داشته است. از این رو، کتب متعددی درباره تاریخ ایران عصر صفوی به رشته نگارش درآمد و محققان و مورخان را با انبوهی از منابع روبرو ساخته است. از آنجایی که در مطالعات و تحقیقات تاریخی، متون اصلی (نسخ خطی) اهمیت خاصی دارند و توجه به این گونه نوشته‌ها، گاه بسیاری از زوایای مبهم و تاریک تاریخی را روشن می‌نماید و نکات تازه‌ای در دسترس پژوهشگران قرار می‌دهد، لذا بر این اساس به معرفی نسخه خطی کتاب مسخرالبلاد که از منابع مهم روابط ایران و اوزبکان در اواخر عصر تیموری و اوایل دوران صفوی است پرداخته می‌شود.

مسخرالبلاد تألیف محمدیاربن عرب قطغان، یکی از منابع ارزشمندی است که در روزگار عبدالله بهادرخان (عبدالله ثانی متوفی ۱۰۰۶ ه. ق) به رشته تحریر درآمده و اطلاعات مفیدی راجع به آسیای میانه در قرن ۱۶ تا اوایل قرن ۱۷ م دربردارد.

درباره شرح حال مؤلف اطلاعاتی در دست نیست، بجز آنچه خود در این کتاب بیان داشته است. ظاهراً وی در اوایل سلطنت عبدالله خان متولد شده و در اوایل قرن ۱۷ م درگذشته است و چون ایام زندگانی خود را در عهد سلطنت این پادشاه گذرانده و از نزدیک شاهد بسیاری از وقایع و حوادث بوده، از این رو این بخش از اثر، ارزشمند و مهم می‌باشد. اما خود درباره تألیف این اثر می‌نویسد:

«بر خاطر خطیر فاتر این بنده قلیل البضاعت و عدیم الاستطاعت که خود را خوشه چین خرمن اصحاب هنر می‌پندارد و در علم تاریخ نیز اندک استحضاری دارد، رسید که تاریخ بدیع و تذکره رفیع به نام نامدار و اسم کامکار آن صاحبقران سکندر نشان مرتب سازد تا بدایع حالات و ذکر فتوحات و بیان مصافات و جهانگیری و وقایع گیتی ستانی و آیین جهانبنانی و قوانین کشورگشایی و رسوم دین پروری و مراسم شریعت گستری و قواعد رزم سازی و طریقی

مخالفت گذاری و عادت دشمن و دوست نوازی آن مهر سپهر سرفرازی تا دامن روزگار و انقراض دوار در میان عالیمان باقی و پایدار بماند...»

مؤلف، کتاب را در یک مقدمه و هشت باب و خاتمه به نگارش درآورده و چنان که گذشت نام آن را مسخرالبلاد گذاشته است.

مقدمه - بیان ذکر خاقان بزرگ ابوالخیر خان اوزبک و بیان جلوس شیخ حیدرخان در دشت قبیچاق و شهادت یافتن او به دست ایناق قزاق.

باب اول - در بیان اولاد شاه بوداق سلطان و ذکر کشورستانی محمد شیبانی خان و اولاد و احفاد آن.

باب دوم - در ذکر احوال کوچکونجی خان و فرزندان او، که در سمرقند سلطنت کرده‌اند.

باب سوم - در بیان حال و ذکر احوال سیونج خواجه خان و پسران او.

باب چهارم - در ذکر خواجه محمدسلطان و بیان فرزندان آن تا والد بزرگوار عبدالله بهادرخان از اوان



دو صفحه از نسخه خطی مسخرالبلاد

ولادت تا زمان رحلت.

باب پنجم - در بیان جلوس عبدالمومن.
باب ششم - در ذکر بنا بلده بخارا و احادیثی که در شأن او وارد شده، در بیان سادات، مشایخ، علما و فضلا. اما در باب هفتم و هشتم و خاتمه، مؤلف در دیباچه اثر سخنی به میان نمی‌آورد و از آنجا که متاسفانه بخش پایانی نسخه ناقص است، لذا درباره این باب‌ها و خاتمه اثر اطلاعاتی در دست نیست.

از مسخرالبلاد تا حال دو نسخه شناسایی شده. یکی در انیستیتوی خاورشناسی تاشکند تحت شماره ۱۵۰۵،* دیگر در سانکت پیتربورگ با شماره (۵۷۵ ag) C-۴۶۵ که متاسفانه هر دو نسخه در قسمت پایانی دچار افتادگی است.

محمدیار بن عرب قطغان در این اثر از حوادث مهمی که در ماوراءالنهر و خراسان در اواخر قرن ۹ و قرن ۱۰ ه. ق بوقوع پیوسته است خبر می‌دهد و همان طور که معلوم است نظر مؤلف بیشتر معطوف به

کتاب مسخرالبلاد از منابع مهم روابط ایران و اوزبکان در اواخر عصر تیموری و اوایل دوران صفوی است

محمدیارین عرب قطغان در این اثر از حوادث مهمی که در ماوراءالنهر و خراسان در اواخر قرن ۹ و قرن ۱۰ ه. ق به وقوع پیوسته است خبر می دهد و همانطور که معلوم است نظر مؤلف بیشتر معطوف به تاریخ خاندان شیبانی است

مؤلف حوادث جنگ مرو که یکی از مهمترین و بزرگترین پیروزی های شاه اسماعیل و وقایع مهم آسیای مرکزی بود را به تفصیل بیان کرده، سپس حملات مکرر اوزبکان به خراسان را در عهد شاه طهماسب و اعمال زشت و ناپسند آنان چون قتل مولانا هلالی، شاعر بزرگ به دست عبیدالله خان اوزبک را شرح می دهد. اما از روابط اوزبکان با صفویه در دوران شاه اسماعیل ثانی و شاه محمد خدابنده به شتاب گذشته است

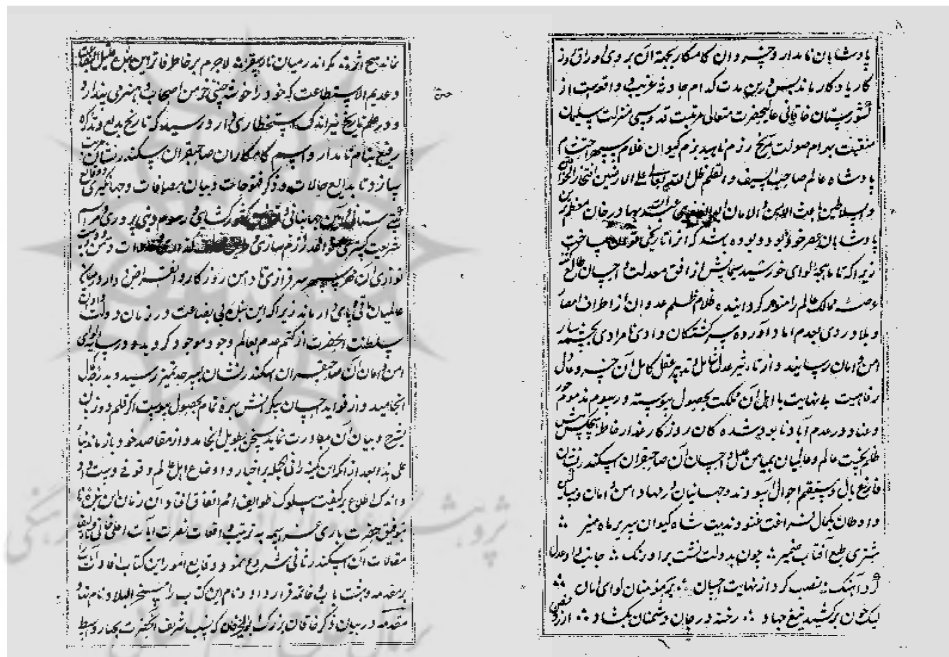
در بعضی موارد، به اجمال به شرح حال رجال و جنگهای آنان را توضیح داده است. نکته مهم دیگری که در این اثر به وضوح می توان دید، تأثیر ادبیات فارسی خصوصاً ادبیات پهلوانی ایران است که مؤلف بارها در اثر خود در مورد ترک ها به کار می برد، واژه ها و صفت هایی چون رستم شجاعت، جمشید صولت.

همچنین علاوه بر بیان روابط سیاسی، به تأثیرات فرهنگی ایران خصوصاً زبان پارسی در قلمرو شیبانیان نیز اشاره دارد و پیوند ادبی آنان را نیز به تصویر می کشد. به طور مثال - اوقلیچ قراسلطان را پادشاهی معرفی می کند که اکثر اوقات به زبان فارسی تکلم می کرد و کمتر به ترکی سخن می گفت. از دیگر نکات مهمی که در مسخرالبلاد به چشم می خورد، آن است که مؤلف جهت خوشایند حکمرانان شیبانی در ذکر بسیاری از وقایع، شاه اسماعیل را والی عراق و ترکمان معرفی می کند و از جنگ مرو به عنوان جنگ ترکمان و اوزبک یاد می نماید. در حالی که این جنگ در واقع از مهمترین نبردهای شاه اسماعیل بود. زیرا اگر او در این جنگ شکست می خورد، ایران از وحدت و استقلالی که به دست آورده بود، محروم می ماند.

سرانجام باید گفت که با تمام جانبداری های مؤلف از اعمال و رفتار ناپسند حکام اوزبک نسبت به شیعیان و اهانت هایی که در مورد پیروان تشیع و فرمانروایان صفوی به کار برده اند، کتاب او از لحاظ اشتغال بر آگاهی هایی از روابط صفویه و اوزبکان اثری قابل توجه و ارزشمند است. سبک نگارش مؤلف، ساده و روان است و در لایبای مطالب خود به اقتضای کلام از آیات قرآن و اشعار شاعران بهره برده، اما از ذکر نام شاعران خودداری ورزیده است.

پاورقی:

* این اثر در فهرست وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران به صورت مؤلف نامعلوم (شاید امیرحسین توره) - تاریخ دولت شیبانی ماوراءالنهر - نستعلیق، ۱۶ / برگ به ابعاد ۲۶x۱۹ س ضبط شده است.



دو صفحه از نسخه خطی مسخرالبلاد

بلکه خارج از قلمرو سیاسی آن نیز اهمیت خاصی یافت و نقطه عطفی در تحولات سیاسی، اجتماعی و دینی ایران و منطقه بود.

مؤلف حوادث جنگ مرو که یکی از مهمترین و بزرگترین پیروزی های شاه اسماعیل و وقایع مهم آسیای مرکزی بود را به تفصیل بیان کرده، سپس حملات مکرر اوزبکان به خراسان را در عهد شاه طهماسب و اعمال زشت و ناپسند آنان چون قتل مولانا هلالی، شاعر بزرگ به دست عبیدالله خان اوزبک را شرح می دهد. اما از روابط اوزبکان با صفویه در دوران شاه اسماعیل ثانی و شاه محمد خدابنده به شتاب گذشته است. در عصر شاه عباس صفوی نیز این روابط تا عهد عبدالله ثانی بیان و بطور ناقص به پایان می برد. چنان که گذشت از ویژگی های مهم تاریخ شیبانی، ذکر شجره نامه این خاندان است که مؤلف گاه به تفصیل و

تاریخ خاندان شیبانی است. ابتدا مؤلف وقایع سالهای آخر دوران دولت تیموری را که فاصله سالهای ۹۰۰ تا ۹۱۱ ه. ق را دربر می گیرد بطور فشرده شرح داده و کیفیت سقوط این دولت را که با نیروی شمشیر و خونریزی های تیمور پی ریزی شده بود منعکس می سازد. بعد با مرگ سلطان حسین بایقرا در ۹۱۱ ه. ق و سقوط هرات نشان می دهد که نهایتاً شیبک خان پس از تصرف ماوراءالنهر، خراسان را مورد تاخت و تاز قرار داده و با تصرف هرات و پناهنده شدن بدیع الزمان میرزا گورکانی به ایران، مقارن این احوال دولت صفوی به دست شاه اسماعیل بنیان گذاری شد و با جلوس این پادشاه بر تخت سلطنت، دولت آق قویونلو که با تدبیر و شمشیر اوزون حسن به اوج قدرت رسیده بود، انقراض یافت و اوزبکان با حکومت قدرتمندی در شرق متصرفات خود روبرو شدند که ظهورش نه تنها در تاریخ ایران،